



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیر الانبیا حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. احکام؛ نکاح، حجاب و روابط جنسی
۲. احکام؛ طب و تداوی
۳. احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام
۴. احکام؛ مسائل مستحدنه (نوپیدا)

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: احمد

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

در مورد جلوگیری موقت و دائمی از بارداری سؤال دارم.

جدیداً با پیشرفت علم پزشکی، روش‌های متفاوتی برای کنترل فرزنددار شدن والدین به وجود آمده است که برخی از آن‌ها ناباروری موقت ایجاد می‌کند؛ مانند کاندوم، قرص‌هایی که خانم‌ها مصرف می‌کنند و کپسول‌هایی که در زیر پوست آن‌ها می‌گذارند و چندین روش دیگر. معمولاً این روش‌های موقت برای کنترل اختلاف سنی بین فرزندان استفاده می‌شود و عوارض حادّی ندارد. آیا از دیدگاه اسلام، استفاده از این روش‌ها در صورت تأیید علم پزشکی برای تضمین عدم آسیب به سلامت زوجین، جایز است؟

روش‌هایی هم وجود دارد که یکی از زوجین را به صورت دائمی نابارور می‌سازد؛ مانند بستن لوله‌های واسط بین تخمدان و رحم در خانم‌ها یا قطع لوله‌ی مربوط به مسیر اسپرم برای آقایان (واژکتومی). این روش‌ها به احتمال بسیار بالا برگشت‌پذیر نیستند و نمی‌توان بعد از بستن یا قطع لوله‌ی مربوط، دوباره با یک عمل آن فرد را بارور کرد. معمولاً وقتی زوجین دارای دو یا سه یا چهار فرزند می‌شوند، پزشکان پیشنهاد می‌کنند که لوله‌ی خانم را در حین عمل زایمان (سزارین) ببندند. آیا از دید اسلام (قرآن و سنت) این کار مورد تأیید است؟ خصوصاً در کشورهایی مانند ایران که هم اکنون تربیت و بزرگ کردن فرزندان بسیار مشکل، وقت‌گیر و پرهزینه است، آیا می‌توان از این روش‌های دائمی استفاده کرد؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۲/۱۸

درباره‌ی جواز جلوگیری شوهر از ورود منی به فرج همسرش در وقت انزال با هدف جلوگیری از بارداری، اختلاف نظر وجود دارد، ولی نظر صحیح‌تر آن است که جایز است؛ چراکه اصل،

جواز است، تا آن گاه که دلیلی روشن بر حرمت برسد، در حالی که دلیلی روشن بر حرمت نرسیده و این نظر مروی از جابر، ابن عباس، سعد بن ابی وقاص، ابو سعید خدری، ابو ایوب انصاری، زید بن ثابت، ابی بن کعب، عبد الله بن مسعود، خباب بن ارت، انس بن مالک، سعید بن مسیب، عکرمة، طاووس، عطاء، نخعی، مالک و شافعی و نظر مروی از اهل بیت است؛ با توجه به روایت جابر بن عبد الله انصاری که در آن آمده است: «كُنَّا نَعْزِلُ وَالْقُرْآنُ يَنْزِلُ»^۱؛ «ما (از ورود منی به فرج همسر در وقت انزال) جلوگیری می کردیم، در حالی که قرآن نازل می شد» یعنی اگر جایز نبود، قرآن از آن نهی می کرد و روایت دیگر او که در آن آمده است: «كُنَّا نَعْزِلُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَبَلَغَ ذَلِكَ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَلَمْ يَنْهَنَا»^۲؛ «ما در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جلوگیری می کردیم، پس به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید، ولی ما را نهی نکرد» و روایت دیگر او که در آن آمده است: «جَاءَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: إِنَّ لِي جَارِيَةً أَطُوفُ عَلَيْهَا وَأَنَا أَكْرَهُ أَنْ تَحْمَلَ، فَقَالَ: اغْزِلْ عَنْهَا إِنْ شِئْتَ فَإِنَّهُ سَيَأْتِيهَا مَا قُدِّرَ لَهَا، قَالَ: فَلَبِثَ الرَّجُلُ، ثُمَّ أَتَاهُ، فَقَالَ: إِنَّ الْجَارِيَةَ قَدْ حَمَلَتْ، قَالَ: قَدْ أَخْبَرْتُكَ أَنَّهُ سَيَأْتِيهَا مَا قُدِّرَ لَهَا»^۳؛ «مردی از انصار به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: من کنیزی دارم که با او نزدیکی می کنم، ولی دوست ندارم که باردار شود، پس فرمود: اگر می خواهی جلوگیری کن، ولی چیزی که برای او مقدّر شده است برایش پیش خواهد آمد. پس از مدتی مرد به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بازگشت و گفت: کنیزک باردار شده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: به تو گفتم چیزی که برای او مقدّر شده است برایش پیش خواهد آمد» و روایت ابو سعید خدری که در آن آمده است: «أَصَبْنَا سَبَايَا، فَكُنَّا نَعْزِلُ، ثُمَّ سَأَلْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ لَنَا: وَإِنِّكُمْ لَتَفْعَلُونَ، وَإِنِّكُمْ لَتَفْعَلُونَ، مَا مِنْ نَسَمَةٍ كَائِنَةٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا هِيَ كَائِنَةٌ»^۴؛ «کنیزانی گرفتیم و جلوگیری می کردیم، سپس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این باره پرسیدیم، پس به ما فرمود: البته شما این کار را می کنید، البته شما این کار را می کنید، البته شما این کار را می کنید، ولی هیچ بشری که باید تا روز قیامت پدید آید نیست مگر اینکه پدید می آید» و روایت دیگر او که در آن آمده است: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: إِنَّ لِي وَلِيدَةً أَغْزِلُ عَنْهَا وَأَنَا أُرِيدُ مَا يُرِيدُ الرَّجُلُ وَأَنَا أَكْرَهُ أَنْ تَحْمَلَ وَتَزْعُمُ يَهُودُ أَنَّ الْعَزْلَ الْمُؤَوَّدَةَ الصُّغْرَى! فَقَالَ: كَذَبَتْ يَهُودُ، لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَخْلُقَهُ لَمْ تَسْتَطِعْ أَنْ تَصْرِفَهُ»^۵؛

۱. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۵۳؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۰
۲. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۰؛ مسند ابی یعلی، ج ۴، ص ۱۷۷؛ صحیح ابن حبان، ج ۹، ص ۵۰۷؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۷، ص ۲۲۸
۳. مسند أحمد، ج ۳، ص ۳۱۲؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۰؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۸۲؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۷، ص ۲۲۹
۴. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۵۴؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۵۸
۵. مسند أحمد، ج ۳، ص ۵۱؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۸۱؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۳۰۲؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۷، ص ۲۳۰

«مردی به نزد رسول خدا صَلَّى الله علیه و آله و سلم آمد و گفت: من کنیزکی دارم که از (ورود منی به فرج) او جلوگیری می‌کنم؛ زیرا چیزی که هر مردی دوست دارد را دوست دارم، ولی دوست ندارم که باردار شود، در حالی که یهودیان می‌گویند جلوگیری (از ورود منی به فرج) زنده به گور کردن کوچک است! پس رسول خدا صَلَّى الله علیه و آله و سلم فرمود: یهودیان دروغ می‌گویند، اگر خداوند بخواهد که او را بیافریند تو نمی‌توانی جلوگیری را بگیری»، ولی نظر مروی از برخی دیگر مانند ابو بکر، عمر، عثمان، عبد الله بن عمر، ابو امامة و اصحاب ظاهر، حرمت این کار است؛ با توجه به روایت جذامة بنت وهب که در آن آمده است: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَأَلَ عَنِ الْعَزْلِ، فَقَالَ: هُوَ الْوَأْدُ الْحَفِي»^۱؛ «شنیدم که از رسول خدا صَلَّى الله علیه و آله و سلم درباره‌ی جلوگیری پرسیده شد، پس فرمود: آن زنده به گور کردن پنهان است»، در حالی که این روایت قابل قبول نیست؛ زیرا از یک سو مخالف با روایت پیشین و موافق با نظر یهودیان است که در روایت پیشین، دروغ شمرده شده است و از سوی دیگر با عقل سازگاری ندارد؛ با توجه به اینکه انزال در بیرون فرج، با زنده به گور کردن انسان قابل قیاس نیست؛ چراکه نطفه پیش از انعقاد در رحم زن، انسان محسوب نمی‌شود، بل مایعی بی‌جان و نجس است که کرامتی ندارد؛ چنانکه خداوند فرموده است: «أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ»^۲؛ «آیا شما را از آبی پست نیافریدیم؟! از این رو، در روایاتی از اهل بیت، بر نادرستی این قیاس تأکید شده؛ مانند روایتی که در آن آمده است: «تَذَاكُرُ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عِنْدَ عُمَرَ الْعَزْلَ، فَاحْتَلَفُوا فِيهِ، فَقَالَ عُمَرُ: قَدْ اخْتَلَفْتُمْ وَأَنْتُمْ أَهْلُ بَدْرِ الْأَخْيَارِ، فَكَيْفَ بِالنَّاسِ بَعْدَكُمْ؟ إِذْ تَنَاجَى رَجُلَانِ، فَقَالَ عُمَرُ: مَا هَذِهِ الْمُنَاجَاةُ؟ قَالَ: إِنَّ الْيَهُودَ تَزْعُمُ أَنَّهَا الْمُؤْوُودَةُ الصُّغْرَى، فَقَالَ عَلِيٌّ: إِنَّهَا لَا تَكُونُ مُؤْوُودَةً حَتَّى تَمُرَّ بِالنَّازَاتِ السَّبْعِ ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿٢١﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾^۳ فَتَعَجَّبَ عُمَرُ مِنْ قَوْلِهِ وَقَالَ: جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا»^۴؛ «اصحاب رسول خدا صَلَّى الله علیه و آله و سلم نزد عمر درباره‌ی جلوگیری (از بارداری) گفتگو کردند و درباره‌ی آن اختلاف نمودند، پس عمر گفت: شما اختلاف نمودید در حالی که نیکان اهل بدر هستید، پس مردم پس از شما چه خواهند کرد؟! در این هنگام دو مرد با هم نجوا نمودند، پس عمر گفت: این نجوا چیست؟ (کسی که نجوا کرده بود) گفت: یهودیان گمان می‌کنند که آن زنده به گور کردن کوچک است، پس علی فرمود: آن زنده به گور کردن نیست تا اینکه از هفت مرحله بگذرد: >هرآینه انسان را از چکیده‌ای از گل آفریدیم،

۱. مسند أحمد، ج ۶، ص ۳۶۱؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۴۸؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۷، ص ۲۳۱

۲. المرسلات / ۲۰

۳. المؤمنون / ۱۲-۱۴

۴. شرح معانی الآثار للطحاوی، ج ۳، ص ۳۲؛ المعجم الکبیر للطبرانی، ج ۵، ص ۴۳؛ الإستذکار لابن عبد البر، ج ۶، ص ۲۲۶



سپس او را نطفه‌ای در جایی استوار (یعنی رحم) قرار دادیم، سپس نطفه را به خون بسته و خون بسته را به پاره‌گوشت و پاره‌گوشت را به استخوان دگرگون ساختیم، پس آن گاه استخوان را گوشت پوشانیدیم، سپس آن را آفرینشی دیگر کردیم، پس عمر سخن او را پسندید و گفت: خداوند به تو جزای خیر دهد».

آری، انزال در بیرون فرج، اتلاف نطفه محسوب می‌شود و اتلاف نطفه مانند اتلاف هر چیز مفید دیگری، در صورتی مباح است که وجهی عقلایی داشته باشد و وجه عقلایی، ترس از رسیدن ضرر به خود یا همسر یا فرزند است. پس اگر چنین ترسی وجود نداشته باشد، بهتر است که از آن خودداری شود؛ چراکه فرزنددار شدن برای مؤمن -هرگاه ضرری برای او یا همسرش یا فرزندش نداشته باشد- خیر است و جلوگیری از خیر پسندیده نیست، بلکه چه بسا ظلم به خود محسوب می‌شود، ولی اگر چنین ترسی وجود داشته باشد، انزال در بیرون فرج اشکالی ندارد؛ مگر اینکه مانع از رسیدن همسر به اوج لذت جنسی باشد که در این صورت باید با رضایت او انجام شود؛ زیرا محروم کردن او از رسیدن به اوج لذت جنسی، محروم کردن او از حق اوست که جز با رضایت او جایز نیست و این مراد روایاتی است که بر لزوم گرفتن اذن از همسر برای آن تأکید کرده‌اند؛ مانند روایت عمر بن خطاب که در آن آمده است: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْ يُعْزَلَ عَنِ الْخُرَّةِ إِلَّا بِإِذْنِهَا»؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از انزال در بیرون فرج زن آزاد نهی فرمود مگر اینکه اذن دهد» و روایت محمد بن مسلم از ابو جعفر باقر علیه السلام که در آن آمده است: «أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْعُزْلِ فَقَالَ: أَمَّا الْأَمَةُ فَلَا بَأْسَ، وَأَمَّا الْخُرَّةُ فَإِنِّي أَكْرَهُ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ تَرْضَى أَوْ أَنْ يَشْتَرِطَ ذَلِكَ عَلَيْهَا حِينَ يَتَزَوَّجُهَا»؛ «از او درباره‌ی انزال در بیرون فرج سؤال شد، پس فرمود: در رابطه با کنیز اشکالی ندارد، ولی در رابطه با زن آزاد آن را ناپسند می‌دانم، مگر اینکه راضی باشد یا هنگام ازدواج با او شرط شده باشد».

این حکم جلوگیری شوهر از ورود منی به فرج زن با هدف جلوگیری از بارداری است که با خارج کردن آلت تناسلی پیش از انزال یا استفاده از جسمی حائل انجام می‌شود، اما جلوگیری زن از بارداری با استفاده از دارو در صورتی مباح است که از شرایط زیر برخوردار باشد:

۱. اثر موقت داشته باشد و به نازایی دائمی نینجامد؛ زیرا در غیر این صورت، تغییر خلقت خداوند با اخلال در نظم و کارکرد طبیعی بدن است که **کاری شیطانی** محسوب می‌شود.
۲. ضرر مهم دیگری برای زن یا شوهر نداشته باشد؛ چراکه ضرر دیدن و ضرر رساندن در اسلام نیست.

۱. مسند أحمد، ج ۱، ص ۳۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۲۰؛ المعجم الأوسط للطبرانی، ج ۴، ص ۸۷؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۷، ص ۲۳۱
 ۲. تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۷، ص ۴۱۷

۳. با اذن شوهر باشد؛ چراکه فرزندان شدن، حق او محسوب می‌شود و سلب حق او بدون اذن او، ظلم است.

بنابراین، جلوگیری زن از بارداری با استفاده از دارو، هرگاه از این شرایط برخوردار باشد، اشکالی ندارد؛ چراکه اصل، جواز است و دلیلی برای حرمت باقی نمی‌ماند، اما عقیم‌سازی مرد یا زن به صورت دائمی، مطلقاً جایز نیست؛ زیرا تغییر خلقت خداوند با اخلال در نظم و کارکرد طبیعی بدن است که کاری شیطانی محسوب می‌شود، مگر اینکه خودداری از آن برای مرد یا زن خطر مرگ یا مرضی صعب العلاج را در پی داشته باشد؛ چراکه در این صورت، مضطر هستند و خداوند نسبت به کسانی که مضطر هستند، آمرزنده و مهربان است؛ چنانکه فرموده است: **﴿وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرُّتُمْ إِلَيْهِ﴾**؛ «برای شما چیزی که بر شما حرام ساخته را تبیین کرده است مگر چیزی که به آن ناگزیر شوید».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی
بیت حکمت و معرفت

